

تعطیل غیر رسمی مدارس جامعه ، به انگیزه تجلیل از کاشانی

بالاخره آیت الله کاشانی ، مرد مبارز دهه ۲۰ و ۳۰ در انزوا فوت می کند .
مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در روز تشییع آن بزرگ مرد به صورت غیر رسمی
تعطیل می شود تا دانش آموزان به صورت انفرادی در تشییع شرکت کنند . فوت
آیت الله العظمی بروجردی ضربه دیگری بر پیکر جهان تشیع و جامعه تعلیمات
اسلامی به حساب می آید و پس از آن مبارزات آیت الله العظمی خمینی است که
جان تازه ای به مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی می دهد .

حضور در نهضت اسلامی

آقای اسلامی که پس از شهادت شهید نواب صفوی رهبر فداییان اسلام و
یارانش اندوهی سنگین را بر دوش می کشید و هنوز به یاد داشت که در زمان آن مبارز
محکوم به اعدام شده بود و توسط رهبر فداییان اسلام و مبارزات او از زندان آزاد
شده بود و اکنون شاهد فریاد اسلام خواهانۀ مردی بود که یاران نواب صفوی را نیز با
محبتی پدرانه در آغوش گرفته بود ، در این زمان که بیش از شصت سال از سن او
می گذشت احساس جوانی می کرد و از شهری به شهر دیگر و از زندانی به زندان
دیگر و از مسجدی به مسجد دیگر علیه دستگاه فاسد و بیگانه پرست فریاد
برمی آورد . امام خمینی در مورد ایشان در تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۴۱ ، در حالی
که شدیداً به نمایش رفتارندم ساختگی شاه می تازد ، چنین می گوید :

« . . . ما میل نداشتیم برای سران این مملکت چنین شکست و
فضاحتی به بار آید ، خوب است که قدری عبرت بگیرند . بیدار شوند و در
سیاست خود تجدیدنظر کنند ، به جای قانون شکنی و به زندان کشیدن علما
و محترمین ، به جای سرنیزه و قلدری در مقابل درخواست ملت تسلیم شوند و
به این حقیقت توجه کنند که با سرنیزه نمی توان ملت را ساکت و تسلیم کرد .
با زور و قلدری نمی توان روحانیت را از وظائفی که اسلام به عهده آنان گذاشته
است بازداشت ، اگر آقای اسلامی را نگذاشتند در تهران منبر برود ، دیدند که

ایشان در بندر پهلوی منبر رفتند و حقیقت را در آنجا بیان داشتند، اگر در بندر پهلوی از ادامه سخنان ایشان جلوگیری کردند شك نداشته باشند که ایشان سخنان خود را در جای دیگر دنبال خواهد کرد و هر جا که فرصت پیدا کند مطالب را به گوش مردم خواهد رساند. اگر با بردن عده زیادی از علما و خطبا به زندان آنها را از سخن گفتن بازداشتند سایر آقایان روحانیون که هنوز توقیف نشده اند سخن خواهند گفت و مردم را متوجه خواهند کرد، مگر می شود زبان روحانیت را برید؟ . . .»

سالهای ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ سالهای حضور او در نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی است و مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی با توش و توانی تازه به مبارزه با دستگاه خودکامه و بیگانه پرست ادامه می دهد. فارغ التحصیلان جامعه تعلیمات اسلامی به اتفاق سایر مردم به عنوان نیروهای انقلاب اسلامی وارد میدان می شوند. دستگاه حاکمه آقای اسلامی را به زندان می اندازد تا شاید با این ترفند در زنجیره تبلیغاتی رهبر انقلاب خدشه ایجاد کرده باشد، اما انقلاب اسلامی آغاز شده است. قیام پانزده خرداد و کشتار مردم و دستگیری حضرت امام خمینی و آزادی ایشان و مسئله کاپیتولاسیون و خروش مجدد امام خمینی سران رژیم را به وحشت می اندازد.

در این زمان اکثر یاران امام در زندان و در تبعید هستند، اما رهبر انقلاب اسلامی دست از مبارزه بر نمی دارد، امام خمینی در یک سخنرانی مفصل در مورد کاپیتولاسیون و نقش استعماری آن به تمام اقشار ملت هشدار می دهند که با احیای کاپیتولاسیون استقلال و شرف ایرانی در حال نابودی است. در همین سخنرانی که جای جای تأثر شدید حضار و گریه شنوندگان را در پی دارد، چنین می گویند:

«باید نفوذ ایرانی ها قطع بشود. باید مصونیت برای آشپزهای آمریکایی، برای مکانیک های آمریکایی، برای اداری آمریکایی، اداری و فنی، مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی، برای خانواده هایشان مصونیت باشد، لکن آقای قاضی در حبس باشند. آقای اسلامی را با دستبند ببرند اینور و آنور. این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باشند، طرفداران اسلام باید در بندرعباس حبس باشند برای اینکه اینها طرفدار روحانیت هستند، خودشان یا روحانی اند یا طرفدار روحانی.»

این را در تاریخ ایران دست مردم دادند اینها، سند دست دادند که

معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانیین بشود. یعنی چه؟ رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول الله . . . از این ملت بشود. روحانیون خودشان چیزی نیستند که، روحانیون هرچه دارند از رسول الله است. باید قطع ید رسول الله از این ملت بشود. اینها این را می خواهند، این را می خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری اینجا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می خواهد بکند. . . .»

تلاش برای پیشگیری از انحراف جامعه . . . و پاره‌ای اشتباهات

چیزی نمی گذرد که رژیم وابسته پهلوی رهبر انقلاب اسلامی را به ترکیه تبعید می کند. یاران امام همین که از زندان یا از تبعید آزاد می شوند به دور هم جمع می شوند و مبارزه را با شکلی دیگر می آغازند. باز جامعه تعلیمات اسلامی به عنوان يك سنگر فرهنگی فعال می شود و باز حرکت از آغاز از سنین کودکی، نسلی دیگر و ترویج اصول عقاید.

امروز ما چهار کتاب در پیش روی داریم، کتابهای تربیت و تعلیم دینی برای سالهای دوم، سوم، چهارم، و پنجم ابتدایی از انتشارات جامعه تعلیمات اسلامی. همه آنها در مهرماه ۱۳۴۵ منتشر شده‌اند با خط نستعلیق با چاپی خوب و جلدی مقبول، هر کدام به قیمت ۲۰ ریال، به جز کتاب دوم ابتدایی به قیمت ۱۵ ریال، از ۸۸ صفحه تا ۱۳۸ صفحه. مؤلفین همه کتابها علی غفوری، دکتر محمدجواد باهنر و در کتاب سال پنجم ابتدایی نام سیدرضا برقی نیز به اسامی مؤلفین افزوده شده است. محتوی هر چهار جلد کتاب در عین سادگی دارای بیانی کاملاً حساب شده و انقلابی است و همین گروه هستند که بعدها دفتر نشر فرهنگ اسلامی را پایه گذاری می کنند. کارهای بنیادی در جامعه تعلیمات ادامه می یابد. در سالهای ۱۳۴۸ و ۴۹ تا ۵۲ شاهد انتشار جزواتی تحت عنوان «آغوش مادر، اولین دانشگاه» هستیم. این جزوات که در قطع جیبی منتشر می شود و حدود ۸ صفحه است، بعدها با يك عنوان اضافی «روش تربیت» در قطعی بزرگتر و تا ۱۶ صفحه نیز گسترش می یابد. اما بیشتر مسایل روانشناسی و تربیتی را مورد بحث قرار می دهد و رنگ و بوی اسلامی و انقلابی آن بسیار کم رنگ است. این سالها، سالهایی است که دیگر مؤسس جامعه تعلیمات از مدارس جامعه و روند آموزش و پرورش مدارس راضی به نظر نمی رسد و چنانکه از مدارک و اسناد و شواهد پیداست

گردانندگان مدارس جامعه نیز چندان در پی راضی نگاه داشتن آقای اسلامی نیستند. همچنان که از سخنان دردمندانه آقای اسلامی در دو سمینار ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ جامعه تعلیمات اسلامی بر می آید، او چند سالی است که از رخوت و عافیت طلبی مدارس و مسئولین جامعه تعلیمات اسلامی ناراضی است. او در سخنرانی سمینار ۱۳۵۱ چنین می گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم. قال الله الحكيم: لا يستوي القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر والمجاهدون في سبيل الله باموالهم وانفسهم. فضل الله المجاهدين باموالهم وانفسهم على القاعدين درجةً وكلاً وعد الله وفضل الله المجاهدين على القاعدين اجراً عظيماً درجاتٍ منه ورحمةً و مغفرةً و كان الله غفوراً رحيماً (سوره نساء، آيه ۹۵).

... این آیه، مسلمانان مقدس نماز شب خوان را با مسلمانان مجاهد در راه خدا مقایسه می کند. در این آیه مقایسه بین فاسق و پرهیزگار نیست، بین کافر و مسلمان نیست، بین جاهل و عالم نیست، البته قرآن در آن زمینه ها مقایسه هایی کرده است، بلکه مقایسه درباره دو دسته از مسلمانان متدین و پاکدل است، يك دسته آنهایی که به عبادات خود پایبندند، نماز می خوانند، روزه می گیرند، حج می روند و سپس به خانه شان می روند تا معصیتی نکنند. چنین کسی کار بد نمی کند و اعمال نیک خود را از نماز، روزه، حج، خمس، زکوة را انجام می دهد.

و دسته دیگر مسلمانان هستند که علاوه بر انجام وظایف دینی و عبادی مجاهد هم هستند و در راه اسلام از خود گذشته و فداکارند. اهمیت مسئله همین جاست که خداوند در قرآنش مقدسین درجه يك را با گروهی که مجاهد و فداکارند مقایسه می کند و می فرماید: لا يستوي القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر. . .

همه بدانند و آگاه باشند که آن دسته از متدینین و مقدسینی که کاری به کارهای اجتماعی ندارند با آن گروه از مجاهدینی که شب و روز، مال و جانشان را در راه خدا می دهند مساوی نیستند. چرا مساوی باشند؟ چه در این صورت خلاف عدل خدا می شود.

حال اگر ما از کمبود حقوق می نالیم، و یا از محرومیتها رنج می بریم و در جهاد خود پیگیر نمی شویم، بدین مناسبت است که از قرآن دوریم و با قرآن سر و کاری نداریم.

... آنها حتی در بعضی از جنگها يك خرمارا چند نفر می مکیدند و به دیگری می دادند. اگر ما وضع آنها را در نظر بگیریم می بینیم در مقایسه با آنها هیچکاره‌ایم، واقعاً هیچکاره ...

... و من اصدق من الله حديثاً (سوره نساء آیه ۸۷)

و عدالله حقاً و من اصدق من الله قیلاً (سوره نساء، آیه ۱۲۲)

و عدالله لا یخلف الله وعده (سوره روم، آیه ۶)

خدا وعده داده است و خلف وعده نمی کند. فقط ما باید مترصد و منتظر مراسم خداوند باشیم و اجر و مزد خود را از او بخواهیم، بدانیم که حسابمان با خداست نه با مدرسه، حرفه‌ایمان را با خدا بزنیم نه با مدیر مدرسه، گفته‌ها و حسابهایمان را با خدا باز کنیم نه با جامعه تعلیمات اسلامی و یا فرهنگ.

اینجاست که همه کارها در سطح يك مسئولیت الهی انجام می گیرد و در طول خط پیامبران قرار می گیریم واحدی الحسین (یکی از دو خوبی) را خدا به ما می دهد.

... یکی از آقایان مرا شدیداً مؤاخذه می کرد و می گفت: آقای اسلامی این پولهایی که شما به عنوان سهم امام گرفتید اگر عمل به وظیفه نکنید همه اش را مؤاخذ هستید. می دانید که حرف درستی می گوید، ما از جهات عدیده مورد مؤاخذه ایم، فرهنگهای ما در نزد خدا و پیغمبر و امام زمان و هیئت مدیره مسئولیت دارند.

... اهتمام خانمها و آقایان، در وحله اول باید دین باشد و واقعیت آن. به معنای قرآن توجه دهید نه به الفاظ آن، ولو باید لفظ را یاد گرفت تا معنی را فهمید، ولی الفاظ وسیله است برای هدفهای قرآن، اگر الفاظ قرآن به تنهایی هادی بود، این مقدسین مساجد باید پیغمبر شوند و حال اینکه، برخی از ایشان به قدر بز نمی فهمند.

... جامعه تعلیمات اسلامی برای دین تأسیس شده است و شما در قبال این امر مسئولیت دارید و باید در این راه چون سربازان صدر اسلام بکوشید، سعی کنید اول خود با قرآن آشنا شوید و سپس رعایای خود را با قرآن آشنا کنید.

... جامعه تعلیمات اسلامی مال من نیست، مال دیگری نیست، از آن همه است، هر کدامتان مستقلاً باید صاحب جامعه تعلیمات اسلامی

باشید و این چنین خود را مؤاخذ بدانید، اگر فردای قیامت از شما بازخواست کردند بتوانید جواب دهید.

«... ما الان در وضعی هستیم که کشتی دارد غرق می شود. بسم الله گفتن و دعا خواندن فایده ندارد. باید مسلح و آماده شد و دعا هم خواند، زنده باد مرده باد دردی را دوا نمی کند. قرآن را تدریس کنید، مفاهیم قرآن را بیاموزید، ما الان در بد وضعی هستیم. کمونیست‌ها همسایه ما هستند، این عراق احمق هم که همسایه ماست وقتش را صرف فحش گفتن کرده است، ما باید به خود بیاییم و تکلیف خود را بشناسیم و عمل کنیم. وضع از این بدتر هم خواهد شد و به جایی می رسد که دست به دامان شما شوند و گریه کنند و از شما مدد بخواهند. به هر حال این شما و این میدان.»

بالاخره آقای اسلامی حرف آخر را می زند. در همین چند جمله پایانی تحلیل او از اوضاع آن دوران به روشنی آشکار است. از همین سخنان چنین پیداست که آقای اسلامی نیز مانند بسیاری از متدینین و دلسوختگان دچار همان اشتباهی شد که رژیم پهلوی برای چنین توهمی سرمایه گذاری می کرد. آن توهم یا اشتباه چه بود؟ آن توهم یا آن ذهنیتی که به وجود آوردند، چیزی نبود به جز اینکه خطر اصلی کمونیسم است نه رژیم پهلوی و حامی آن آمریکا. چنانکه ملاحظه فرمودید آقای اسلامی در پایان سخنرانی خود تلویحاً به این نکته اشاره دارد که رژیم پهلوی به ناچار برای مقابله با کمونیسم دست به دامان جامعه تعلیمات اسلامی خواهد شد و خود این تحلیل از زبان شخصی چون آقای اسلامی به این حقیقت تلخ اشاره دارد که چقدر رژیم پهلوی در القای آن ذهنیت که خطر اصلی کمونیسم است موفق بود که شخصی چون آقای اسلامی را با آن سالهای دشوار مبارزه با رژیم پهلوی به جایی برساند که بگوید:

«... وضع از این بدتر هم خواهد شد و به جایی برسد که دست به دامان شما شوند و گریه کنند و از شما مدد بخواهند. به هر حال این شما و این میدان.»

به هر حال جامعه تعلیمات اسلامی به صورت گسترده ترین زنجیره مدارس غیردولتی به کار خود ادامه می دهد. مدارس شهرستانها نیز به آن صورت که مورد انتظار هیئت مؤسس مرکزی است به دستورات مرکز وقعی نمی گذارند. البته این بدان معنی نیست که از اسلامی بودن خارج شده باشند، اما در فضای پر غوغا و آشوب از نظر ایدئولوژی‌ها و مکاتب رنگارنگ آن روز هر کدام مطابق میل و سلیقه

خویش به سمتی کشیده شده‌اند. یادمان باشد که در این سالها گروه‌کهایسی مانند فداییان خلق و مجاهدین خلق در پهنه سیاسی - اجتماعی مطرح بوده‌اند و طبعاً افکار و احساساتی را به سمت خود جلب نموده‌اند و باز در همین سالهاست که انجمن حجّیه نیز از سوی دیگر اذهان گروه دیگری را به خود جلب نموده است. به هر صورت اغتشاش و آشوبی که بر فضای فکری و احساسی و اعتقادی جامعه در سالهای ۴۹ تا ۵۲ حاکم بود، خود محل تحقیق است و بحث جامعی را طلب می‌کند.

وقتی به سخنان آن روز آقای اسلامی توجه می‌کنیم باید حداقل آن فضای مغشوش جامعه را مد نظر قرار دهیم. ایشان در سخنرانی سال ۱۳۵۲ که در روز شنبه بیستم مرداد ماه در سمینار مدیران مدارس جامعه تعلیمات اسلامی ایراد می‌شود با لحنی تندتر از سال قبل و تقریباً در همان محورها سخن می‌گویند، گرچه خطابشان به مسئولین دولتی، یعنی بازرسان فرهنگ (آموزش و پرورش)، شدیدتر از سال گذشته. به بخشهای از سخنان ایشان توجه می‌کنیم:

«جامعه تعلیمات اسلامی یعنی مؤسسه‌ای که در مقابل مؤسسات دیگر مدعی است که ما احکام اسلام را ترویج و تبلیغ می‌کنیم اسم نیست، تشکیلات فرهنگی نیست، تشکیلاتی که مردم از آن متنفع بشوند نیست، پل پیروزی کسی هم نیست، تشکیلاتی است برای خدا به وجود آمده، سی و دو سال است در اطرافش زحمت کشیده شده، به لطمات و صدمات گرفتاریهای فوق العاده از جهات عدیده گرفتار شده‌ایم، الان هم مورد شماتت دوست و دشمن هستیم. اکنون که من با شما صحبت می‌دارم البته شما هیچ وقت اینطور جدی ندیدید که من با شما صحبت کنم، به جهت اینکه ما در این دو سالی که آقایان و خانمها تشریف آوردند، رفیق شده، آشنای اخلاق یکدیگر شده‌ایم و همه شما را مردمان متدین، صالح و مسلمان شناختیم. جامعه تعلیمات اسلامی مؤسسه‌ای است که معالم اسلام و معالم دینی را به پسران و دختران مسلمان تعلیم داده که بعد از آنکه دروس فرهنگی را خواندند هر يك مبلغ و مسلمان واقعی بشوند در هر مرکزی که هستند.

... اگر زننده باشیم بدانید به تمام مدارس شما سرکشی خواهیم کرد و این معانی را از شما متوقع هستیم. این مطلب اختطاری است به شما، عرضی است به شما که متوجه مسئولیت‌ها باشید.

مملکت از سه طرف احاطه به کمونیستها شده، به عناوین گوناگون و

مختلف در مجالس و در دانشگاهها دارند تبلیغ کمونیستی می کنند و جوانان و مردم را از دین منحرف می سازند و باید شما آقایان هر کدام که نمی توانید عهده دار بشوید کسی دیگر را جای خود بگذارید.

... چون در این چند سال هر چه بخشنامه و کمیسیون ترتیب داده شد، نتایج کمیسیون روی کاغذ نوشته شد، اما هیچ اثری از آنها در آقایان و در مدارستان دیده نشده است.

... من مریض شدم و الا بنا بود برویم خوانسار و لاهیجان و تابلوهای آنجا را برداریم دیوانه که نیستیم که ما جان بکنیم خودمان را پل پیروزی دیگران کنیم و مقصد ما عملی نشود، من نتوانستم، مریض شدم و عازم بودم که هم تابلوی خوانسار را برداریم که به وظایف عمل نکردند و هم تابلوی لاهیجان را، با اینکه هر دو مدرسه تحت نظر علمای آنجا اداره می شود.

... قرآن می گوید ای پیغمبر مگر نمی بینی مردم چطور می هوای نفسشان را پیروی می کنند. به خدا قسم اندازه ای که مدیر و معلم ملاحظه فرهنگ (آموزش و پرورش) و بازرسی را می کنند، به خود خدا، ملاحظه خدا را نمی کنند.

آن مقدار که از فرهنگ (آموزش و پرورش) می ترسد از خدا نمی ترسد، آن مقدار که مراعات برنامه فرهنگ را می کند، مراعات برنامه قرآن را نمی کند، مراعات دین را نمی کند.

... به من خرده نگیرید آقایان که چرا داغ شدم، دنیا داغ شده است. به من نگویند که چرا این طور صحبت می کنید. دنیا این طور صحبت می کند، دنیا دارد پرچم کمونیست را بلند می کند. در جهان فرصت وعظ دادن و حرف یاوه زدن و مسامحه کردن و باری به هر جهت نمانده است. یا مرگ است، یا نجات. حرفها تمام شده، مسامحه ها تمام شده است. این گوی و این میدان. اگر می دانید بروید، داعی ندارید، ارض الله واسع، ما که داعی نداریم، شما که رفتید، ما هم می رویم، دیوانه که نیستیم. فردای قیامت از ما مؤاخذه می کنند.»

چنانکه ملاحظه فرمودید خشم و نگرانی و شور و بی تابی از سخنان او به خوبی آشکار است. او در این زمان بیش از هفتاد سال از زندگانی خود را پشت سر نهاده. با وجود این با شوری در خور جوانی نسبت به آنچه در اطرافش می گذرد

می اندیشد و می خروشد، گرچه ممکن است برای مدتی راه مبارزه یا دشمن را به اشتباه بگیرد. او در سخنرانی دیگری در همین سمینار راجع به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر سخن می گوید و چنانکه در همین سخنرانی اشاره می کند، کتاب «دو از یاد رفته» را در همان زمان به رشته تحریر درآورده بوده اند که هنوز منتشر نشده بود. در این سخنرانی که از نظم و ترتیب بیشتری نسبت به دو سخنرانی قبلی برخوردار است، با ارائه دلایل قرآنی و احادیث و روایات ثابت می کند که مهمترین واجبات امر به معروف و نهی از منکر است، که قیام تمام واجبات به واسطه آن است. پس از بحث جالب و مفصلی که راجع به این دو از یاد رفته دارند به بحث حکومت اسلامی می رسند و دلیل تعطیل حکومت اسلامی را تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر می دانند و سؤال می کنند:

«چطور شد که اینها کنار رفت و فقط ریختند ما را در مسجد، فقط امر زمین برای نماز و بعد من هم بروم منبر. چرا؟ چطور شده؟ آیا فکر کرده اید چه مرجعی آمد این حکومت (حکومت اسلامی) تعطیل شد، زیادی حرف زن آقا، سیاست و دین را باید از هم جدا کرد. چرا؟ مگر اسلام غیر از سیاست چیز دیگری هم هست؟ اسلام سیاست اقتصادی دارد، سیاست اجتماعی دارد، سیاست حیاتی دارد (آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری). فراموش نکنید اول آیه را (کنتم خیرامة اخرجت للناس)، حکومت جهانی دارد اسلام، در قرآن آیات عدیده است که هیچ کس بدون خدا نمی تواند حکم کند.

... ماده اول متمم قانون اساسی می گوید سلطان باید متدین به دین اسلام و مذهبش شیعه اثنی عشری باشد و مروج مذهب شیعه باشد، این یک.

ماده دو - قانون اسلام متخذ از قرآن است و مذهب ما اسلام. قوانین موضوعه در مجلسین باید به نظر پنج نفر از علمای طراز اول برسد. اگر منطبق با قرآن و عقاید شیعیان بود اجازه طرح آن در مجلسین داده شده و الا خط سرخ کشیده حق وتو دارد و این قوانین اسلام تا روز ظهور امام زمان و روز قیامت دوام دارد و هیچ کس حق تغییر آن را ندارد.

پس این قانون اساسی نعمت بزرگی است که ما در مملکت داریم، خوب، آیا امر به معروف و نهی از منکر مثل کارهای دیگر است؟ اگر نماز نخواندیم در قیامت عذابمان می کنند، روزه نگرفتیم و توبه نکردیم عذابمان

می‌کنند و سایر احکام.

... امیرالمؤمنین (ع) در بستر شهادت در آخرین وصیتش می‌فرماید، در آن وصیت نامه مفصل (ولا تترك الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولي الله امرکم شرارکم ثم تدعون فلا يستجا بکم علیهم)، امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید که خداوند اشرار شما را بر شما مسلط می‌کند و هرچه دعایتان مستجاب نمی‌شود.

این هم مزیتی برای امر به معروف و نهی از منکر. تمام واجبات حد معینی دارد، مثلاً ظهر که نماز خواندی تا عصر نمی‌خواهند. هم چنین عصر که خواندی تا شب دیگر نماز از شما نمی‌خواهند و مغرب و عشاء همین طور. اما تا چشم باز می‌کنید باید بگویید بکن، نکن، کلی گفتن هم کافی نیست، اگر کلی بگویم شراب حرام است ادای وظیفه نکرده‌ام، چون ادای وظیفه امر به معروف واجب است. کلی بگویم در بازار قلب می‌کنند، ربا می‌خورند ادای واجب نکرده‌ام و ذمه‌ام گرفتار است. حضرت صادق (ع) می‌فرماید (وصکوابها جباهم) معصیت‌ها را به صورتشان بزنید. بگویید آقا شراب می‌خوری. نخور. جناب آقای تاجر، ربا می‌خوری، نخور. خانم حجاب از واجبات اسلام است، رویت را بپوشان. پس کلی ساقط نمی‌شود باید یکی یکی گفت.

من قانون می‌گویم و مدرکم هم قرآن است، ضبط هم می‌شود. یادگاری است که از ما نزد شماست، شاید تا سال دیگر زنده نبودم برایتان بگویم.

... آری عدم جهاد و عدم مبارزه هلاکت دارد، نه کشته شدن در راه خدا (و لا تحسن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون). همان طوری که آقای حسینی فرمایش کردند اصلاً جهاد برای کشته شدن وضع شده است. آری کشته شدن در راه خدا هلاکت نیست. »

ایشان در این سخنرانی حرف آخر را می‌زند. به تمام کسانی که سکوت اختیار کرده‌اند، می‌تازد و برخلاف میل برخی از همکاران و دوستان خود برخی از صحبتها را مطرح می‌کند. او می‌گوید که سیاست و دین از هم جدا نیست، حتی اگر برخی خوششان نیاید، چنانکه در مورد همین سخنرانی که در جزوه جامعه تعلیمات اسلامی به صورت زیراکس به چاپ رسیده در صفحه اول آن چنین آورده‌اند: «جامعه تعلیمات اسلامی در صحت و سقم مطالب مندرجه (به هر

صورت که تلقی شود) هیچ‌گونه اظهارنظری ندارد. لاجرم هر فردی مسئول سخنان خویش خواهد بود». یعنی برخی از سخنرانان حرفهای بودار زده‌اند که نباید حسابشان با بقیه مخلوط شود، که نمی‌شود. بگذریم، بازگردیم به همان سخنرانی آقای اسلامی که راجع به گروه‌هایی از مسلمین که امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کردند و درباره گروهی از آنان که در جامعه آن روز نیز کم نبودند، چنین می‌گوید:

«... دیگر آنان که می‌گویند برو دنبال نمازت، دنبال روزه‌ات، امام زمان خودش درست می‌کند. استعمار چه کرده! چه تحویل داده، خدا لعنتش کند!

باز این قصه که از مشهودات خودم است برایتان بگویم. يك رساله حجاب است که نوشته‌ام. سال ۲۰ در مسجد شاه دعوت کردند که ۱۵ شب منبر برویم، ۱۴ شب را راجع به حجاب صحبت کردم. آقای حاج میرزا عباس از دوستان ما بود، گفت یکی از تجار می‌خواهد آیاتی را که راجع به حجاب استدلال کرده‌اید با ترجمه‌اش بنویسد می‌خواهد چاپ کند و ماه رمضان تقسیم کند. ما هم این آیات را جمع کردیم به دلیل عقلی و ۱۲ آیه و ۶ حدیث و چند فتوای آقایان علما را دادیم گراور کردند و به آقای... دادیم تا بردند. بالاخره ماه رمضان شد و خبری از کتاب نشد پرسیدم چرا تاخیر شد، گفت کتاب را برده است نزد یکی از آقایان داده تا مطالعه کند که اگر خوب است چاپ کند و آقا پس از مطالعه فرمودند بسیار خوب است اما چاپ نکن، چون اگر چاپ شد و منتشر شد زنها با حجاب بشوند و کار امام زمان (ع) عقب می‌افتد، بلی شما خوابید، نمی‌دانید چه کرده‌اند.»

پس معلوم می‌شود تفکر انجمن حجتیه از سال ۱۳۲۰ وجود داشته است. به هر صورت این آخرین سخنرانی از آقای اسلامی که در جامعه تعلیمات اسلامی ایراد شده، البته این آخرین سخنرانی است که ما در اختیار داریم و نیز آخرین جزوه مربوط است به سمینار تربیتی جامعه تعلیمات اسلامی در تابستان ۱۳۵۵ که سخنرانان آن سمینار به ترتیب آقایان وجیه‌اللهی، دکتر باهنر، دکتر بهشتی، دکتر پورباقر، دکتر توانا، استاد جعفری، حسینی، راستگوی خراسانی، رشیدپور، دکتر هادی شریفی، شعاری نژاد، دکتر شکوهی، دکتر صاحب‌الزمانی، صافی، استاد مطهری، دکتر کاردان، حاج گلشن هستند و براساس جزوه موجود سمینار پر بار اما غیرسیاسی بوده است.

اما هنوز سخن درباره گسترده‌ترین شبکه آموزش اسلامی در ایران که با موفقیتها و شکستهای همراه بود باقی است و هنوز در مورد شخصیتی که به هر روی بنیانگذار این شبکه فرهنگی در شرایط دشوار بود سخن بسیار است. خلاصه کنم، زنده‌یاد اسلامی آنچنان که بیشتر اشاره کردم بیش از یازده بار به زندان رفت و یازده بار به حج سفر کرد. تعداد وعظها و خطابه‌های او بسیار است. او بارها به جبهه‌های حق علیه باطل رفت و این در حالی بود که بیش از ۸۰ بهار از عمرش می‌گذشت. اما برای بررسی دقیق موفقیت‌ها و ناکامیهای این حرکت گسترده فرهنگی در کشور ما هنوز نیازمند پژوهش و تحقیق بیشتری هستیم.

در خاتمه از پژوهشگر کوشا خانم مهناز مظاهری که زحمت گردآوری منابع و اسناد این کنفرانس را تقبل نموده بودند و همچنین از بنیاد بعثت که مطالبی را در ارتباط با شخصیت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی در اختیار ما قرار دادند صمیمانه تشکر می‌کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد مدارس ایران در سال ۴۴ - ۴۳

نوع مدرسه	دولتی	غیر دولتی
کودکستان	۸۷	۱۹۹
دبستان	۱۲۶۱۴	۷۵۸
دبیرستان	۱۰۱۰	۲۹۳

تعداد مدارس و دانش آموزان تهران در سال ۴۴ - ۴۳

نوع مدرسه	دولتی		غیردولتی	
	مدرسه	دانش آموز	مدرسه	دانش آموز
کودکستان	-	-	۱۰۶	۴۸۲۶
دبستان	۵۸۶	۲۸۳۵۸۱	۳۶۸	۷۸۶۸۰
دبیرستان	۱۴۷	۷۷۷۶۶	۱۳۴	۳۸۱۲۹

تعداد مدارس و دانش‌آموزان جامعهٔ تعلیمات اسلامی
در سال ۵۴-۵۵ در تهران

تعداد دانش‌آموزان		تعداد مدرسه		نوع مدرسه
دختر	پسر	دخترانه	پسرانه	
۵۰۵۵	۵۶۱۲	۲۲	۲۳	دبستان
		۵۵		
۲۰۵۶	۱۵۶۳	۱۲	۱۱	راهنمایی
		۲۳		
۱۰۲۷	۵۳۶	۴	۲	دبیرستان
		۶		

تعداد مدارس و دانش‌آموزان جامعهٔ تعلیمات اسلامی
در سال ۵۴-۵۵ در شهرستانها

تعداد دانش‌آموز		تعداد مدرسه		
دختر	پسر	دخترانه	پسرانه	
۷۸	۶۱۵۹	۴	۲۷	دبستان
		۲۷		
۱۶۹	۳۰۴۷	۱	۱۵	راهنمایی
		۱۶		
	۹۲۷	-	۷	دبیرستان
		۷		

تعداد مدارس دخترانهٔ جامعهٔ تعلیمات اسلامی در تهران معرف این
واقعیت است که مردم تهران به چه میزان نسبت به فضای مدارس دولتی بدبین

و نسبت به مدارس اسلامی خوشبین بودند و عیناً تعداد مدارس راهنمایی و دبستان پسرانه اسلامی در شهرستانها معرفّ جوّ و فضای فرهنگی حاکم بر شهرستانها در قبل از انقلاب اسلامی است و استقبال مردم از این مدارس.

تعداد دانش آموزان و کارکنان و کلاسهای مدارس
جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۵۴-۵۵ در تهران

کارکنان		کلاسها	دانش آموزان
ملی	اعزامی		
۹۳۲	۱۵۵	۴۴۵	۱۵۸۴۹

تعداد دانش آموزان، کارکنان و کلاسهای مدارس
جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۵۴-۵۵ در شهرستانها

کارکنان		کلاسها	دانش آموزان
ملی	اعزامی		
۴۱۸	۲۷۶	۲۸۸	۱۱۰۸۵

کارکنان اعزامی، کارمندی از وزارت آموزش و پرورش بودند که به مدارس جامعه تعلیمات اعزام می گردیدند و آنها بجز کارکنان و معلمانی بودند که جامعه تعلیمات اسلامی را به استخدام می گرفت.

دموت شده بود مینماید و در ضمن در مورد انتخابات زنان اظهاره داشته است که دراتیه مجلس شورایی
مجلس فاحشه خانه خواهد شد .

مستخرجه از پرونده کلاسه ج - ش - ۱۱۲

برابر گزارش مورخه ۱۱ / ۳ / ۴۲ نامبرده در تکیه واقع در کوچه پاشا رواج به بهائیهها و آرامه و گرفتن
گذرنامه از خروج از کشور ایشان سهل و آسان است ولی برای بنده و امثالهم چقدر ریاضت محمل زحمت
و توسل بیاری و تشبث گردیم و در ضمن کثرت طلا ق و فسق و فجور با بملت رویه غلط دولت دانسته میسر در
پایان سخنران خود میگوید ای مردم بایکد نعه بد نیا اده ایم و یکد نعه از دنیا میرویم از حبس و جزو تبعید
و کشتن نمی ترسیم ما سربازان اسلام هستیم نه توپ داریم و نه تانگ فقط طالب و بیانات خود را با فلسفه و
شطق بیان مینمائیم و باید در راه حق و حقیقت مبارزه کرد تا حرمت قرآن ازین نرود و مسبب بوجود آوردن
این اعمال ناشایست را باید با اعمال سزای خویش نشانید .

مستخرجه از پرونده کلاسه ج - ش - ۱۱۲

برابر گزارش روز ۱۳ / ۳ / ۴۲ در تکیه واقع در پانچائنا میرده در باره خراب کردن مدرسه فیضیه و کشتن طلاب
و خساراتیکه در روز عید نوروز سال ۴۲ اتفاق افتاده مطالبی بیان داشته و از کلیه طبقات مردم تقاضای
کند پولی مینماید و میگوید ای مردم و لویک تومان هم شده به پانگ صادرات و معاون بحساب آقایان ایت اله
خنجینی و شریعتداری بگذارند و دیگر در مورد جلوگیری از اعلامیه آقای خنجینی اظهار میدارند که دولت
روزنامه های اطلاعات و کیهان که همیشه حقایق را دروغ و برعکس مینویسند حمایت با اجازه چا بچید هستند
که انوهان عموم مردم را گمراه ولی از پخش بیانیه های آقایان روحانیون جلوگیری و حتی پخش کنندگان
را حبس و زجر میدهند .

ردیف	نام	نام خانوادگی	اسم پدر	شماره ثبت	تاریخ تولد	محل تولد
	جعفر مرد بان	حسینی	ابراهیم	علاق	۳۰۲	مشهد
	محمد تقی	نوراله بن	حسینی	ابراهیم	-	اهواز
	رضانعلی	گاهانی	علی	پلاسر فروش	۱۳۱۷	سرولایت
	رضا حسن	زاده	محمد حسین	پهلوان	-	مشهد
	حسن	نصیان	محمد جعفر	لباس فروش	۳۷۹۸	مشهد
	محمد رضا	بیک بزدی	-	طلیمازاد	-	-
	محمد شادی	-	غلامرضا	طلیمازاد	-	-
	علی پیمان	-	رضان	طلیمازاد	-	-
	حاج محمد	قاسمی	قاسم	عطار	-	-
۱	حسن	محمودی	حسین	محصل در	-	اهل قریه
۱	احمد	ملازاده	حسین	طلیمازاد	-	تهران
۱۱	سید میر	قاسم آل رسول	(مختار زاده)	احمد محمد	۵۲۲	۱۴۱۷
۱۲	سید محمد	جعفر طبا	طباطبائی	محمد حسین	۱۵	۱۴۱۷
۱۳	سید عسکری	مرد بان	حسینی	سید علی	۴۵۴۷	۱۲۹۶
۱۴	نصراله	پناهنده	محمد رضا	محصل طلوع	۹	۱۳۲۳
۱۵	شیخ عباس	علی اسلامی	حسین	اهل علم	۱۱۲۶۷	۱۲۷۵
۱۶	سید احمد	جبرئیل	سید مهدی	واعظ	۸۰۷۶	۱۳۰۳
۱۸	حسن	خانپوری	خیاپانی	جواد	-	۱۰ ساله
۱۹	محمد	خجسته	-	طفا بی فروش	-	-
۲۰	حاج قاسم	ملنگخواه	-	شهری فرزند	-	-
۲۱	سید تقی	رضوی	اسامی	-	-	-
۲۲	قاسم	سینجی	علی اصغر	فرزند لواز	۱۱۹۱	۱۳۱۹
۲۳	ماتزاله	نیشابوری	مراد علی	سینا زید	۳۱۵	۱۳۱۱
۲۴	حمود	تلخفی	غلامعلی	زرگر	۵۵۶۱۰	مشهد
۲۵	جواد	وارث	مصطفی	علی	۲۰۵۱۸	۱۳۱۱
۲۶	رحیم	کاظمی	سید حاجی	کارمند	۲۴۱۴۰	۱۳۱۱
۲۷	حیدر	دشتجانی	اسد اله	شاگرد	۲۷	۱۳۲۴
۲۸	ابراهیم	دوست	محمدی	اسفند	۲۹۳۶	۱۳۱۳
۲۹	علی اکبر	اسماعیلی	محمد رضا	محصل طلوع	۱	۱۳۱۱
	سید مهدی	شیا	اسامی	مهندس	-	۱۳۱۱
	ماتزاله	نیشابوری	اسد اله	زانت	۱۴۱۶	۱۳۱۳

خیلی منجر مانده

درجه فوریت

طبقه بندی حفاظتی

برگ خبر

نسخه شماره از منته
 نسخه شماره از منته
 ۱ - به ریاست شهرداری کل کشور (اداره اطلاعات)
 ۲ - از
 ۳ - شماره ۴۱۹۲ / ۴۱۶
 ۴ - تاریخ ۱۳۰۷ / ۷
 ۵ - پیوست

موضوع: سخنرانی شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری در مسجد نو صوف / برد

از ساعت ۲۱۰ روز ۲۶ / ۳ / ۴۷ جلسه ای در مسجد نو واقع در خیابان خراسان ایستگاه لرزاده با حضور
 عده ای در حدود ۳۰۰ نفر تشکیل گردید. در این جلسه شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری منبر رفت و ضمن
 صحبت پیرامون مقام و عظمت پیغمبر چنین اظهار داشت که پیغمبر گارش آدم درست کردن بود (یعنی
 انسانهای وحشی را تربیت میکرد) و امروز مکتب علماء مانند مکتب انبیا کارش درست کردن آدم است و اگر
 بگوئی ساعت درست کن یا ماشین و یا طبابت کن میگویند بلد نیستیم ما هم درس میدهم و حرف میزنیم کارمان
 هم درست کردن انسانهاست. بقول یکی از رفقا میگوید با قای وزیر کشور میگوئیم بیایم با شما انسان
 باش میگوید من نمیخواهم انسان باشم با قای نخست وزیر میگوئیم میگوید من هم دلم نمیخواهد آدم باشم
 و امام جمعه هم میگوید من نمیخواهم آدم باشم اگر حرف خوب زدی بدشان میاید و با ما دشمن میشوند
 جمع میشوند قانون ضد پیغمبر و خدا درست میکنند. ملت بیسواد کی - ملت ایران پیدا نمیشود از تمام دنیا
 بیشتر پول خرج میکند ولی سواد ندارند و آشنا با دین نیستند. سپس چند جمله دعا کرد و جلسه در ساعت
 ۲۳۰۰ پایان یافت.

اثر
 اثر
 شماره ۳۹۳۹ - ۱۰۷
 ۱۳۰۸ / ۷

از: اداره اطلاعات

به: ریاست شهرداری تهران مرکز

درباره: عباسعلی اسلامی (اصف)

بازگشت شماره: ۳۲۲۸ - ۲۸ / ۱ / ۱۱

خواهشمند است دستور بفرمایید تا مورد با لاند کرده در مورد که

از بان انجمنه مطالب خود را در سبابت در قیود انجمن است

و نقلی جایگزی خواهد بود نتیجه اقدام دارند

رئیس اداره اطلاعات

مجموعه آثار

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

- ۱- از : پلیس تهران (اطلاعات)
- ۲- به : ریاست اداره اطلاعات
- ۳- منشاء :
- ۴- منبع : ۱۱۱
- ۵- بیوست :
- ۶- ملاحظات حفاظتی : قابل انتشار
- ۷- شماره گزارش : ۲۰۳ ع ۳۴
- ۸- تاریخ گزارش : ۵۳/۷/۲
- ۹- تاریخ وقوع :
- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع :
- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات :
- ۱۲- گیرندگان :

موضوع :

عطف / پیرو :

ساعت ۲۱۳ روز ۱۳/۷/۵۳ آقای حاج عباسعلی اسلامی در مسجد جامع واقع در خیابان ضریحان خیابان با حضور عدای قریب . . . نفره منبر رفته ضمن صحبت در باره موضوعات دینی اظهار داشت در زمان حضرت کاشانی برای مدت ۱۰ روز به تبریز معرفی شد م آقای دکتر اقبال استاند اروتیسا مقبولی فرمانده متب تبریز بود در يك جلسه مبهمانی بحث زیاد ی کرد یم آقای دکتر امینی هم در جلسه حضور داشتند آقایان اظهار داشت آقایان واعظین مرد مراگراه ومملکت راعقب اند اخته اند در جواب آقایان اظهار داشتیم بلی درست میفرمائید مملکت سرتیب درست کردن مشکل است اما شیخ درست کردن با هزینه خیلی کم هم آسان است فقط يك عب لازم دارد اگر دوماه هم اصلاح نکند میشود یکنفر شیخ ود نفر سازمانی هم در طرف د بهتن رایگیرد میشود حد آیت اله بیسواد که مرد مرا سرگردان ومنحرف میکنند همین آقا د نبال شراب خلواری وعیاشی وکارهای فاسد می تمام وعاظ رایب نام میکنند بعد با د لائل قرآن قانع شدند در باره آنچه برای د هه دعوت شد م در مورد نماز و حج گفتیم تا اینکه یکنفر از بار زیان که در د هانه مسجد شاه مغازه ارد حاجی هم هست برای من پیغام فرستاد در حجاب کتابچه درست کنید تا من به چاپ برسانم ود رماه رمضان ومحرم چاپ کنم با چهز حمتی درست کرد م بآن حاجی داد م پس از مدتی معلوم شد حاج آقا کتاب را چاپ نکرده علت را پرسیدم گفت به پیشنهاد مسجد دادم گفت آقا زحمت زیاد ی کشیده اما اصلاح نیست بچاپ برسد زیرا اظهار حضرت عقب میماند سخنرانی نم ساعت ۲۳۲ خاتمه یافت برك

مجموعه

مجله بنیاد خاندانی

درجه فوریت

- ۷ - شماره گزارش : ۲۶۴ / ۲۶۴
۸ - تاریخ گزارش : ۰۰ / ۱۲ / ۱۴
۹ - تاریخ وقوع :
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع :
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به دهر عملیات :
۱۲ - گیرندگان :

- ۱ - از پلیس تهران (اطلاعات)
۲ - به ریاست ادو* و اطلاعات
۳ - منشاء :
۴ - منبع : ۱۱۱
۵ - پیوست :
۶ - ملاحظان حفا :

عطف پیرو

موضوع :

ساعت ۱۹۰۰ روز ۱۱/۱۲/۰۰ آقای شیخ عباسعلی اسلامی در مسه درعنوان واقع ریخش ۶ با شرکت قریب ۲۰۰ نفر سخنرانی ضمن صحبت درباره موضوعات دینی اظهار داشت ما مسلمانان از اسلام بی خبریم و این بی خبری باعث شکست شمار رگامی دینی میشود نپرو نخست وزیرند که مردی هند بود نوشته است بسیاری همروزی اسلام بعلم استعداد واستقامت آنان بوده است در اوایل اسلام هند نفر عرب از مراکش برای فتح هند حرکت کردند که یکی از آنها بنام طارق نام داشت که تمام کشش هارا سرانند و گفت اگر میخواید زنده بمانید باید به اسپانیا حمله نمائید و آنجا را تصرف کنید و جبل الطارق را بنام عمان شخصی نام گذار نمودند و تا قسطنض واتیگان و حتی ایتالیا را بمصرف خود در آورده بودند ولی امروزه با داشتن همه امکانات باید از اسرائیل شکست بخورند علتش معلوم است بی توجهی بدستورات قرآن میباشد حضرت رسول (عز) فرموده بود روزی میشود که زنان امت من سرخود را بستگ که مان شتر درست کنند امروزه آن را ماشا مده مینمائند و این بی توجهی است بروت ازدست مآرغه و مرجع صید وید بخودتان نمیرسد باید گوشت بپوسد و میاگند باید از استرالیا بیایند و تار آن را هم نمیتوانند بخورند و آنگاه درباره جمع نمودن ثروت صحبت نمود و چند روحانی را نام بزد که در روزی منب فوت نموده اند و گفت آقا جان چه فری در مدهمانخانه بندن از خوشگذرانی و وریش سازمان برنامه با چهار نفر زن که در دانشنگ مشغول و مقصدن بودند بردند و این است رفتار ما مسلمانان که خود را بپرو قرآن میدانیم و سخنرانی نامبرده بازگرمصیبت در ساعت ۲۰۰۰ خانه یافت بی

مکاتب ...
 شماره ...
 مکتب ... ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ ...

...
 ...

...

۵۱۶۰۵۵۱۶۰
 ۸/۸/۸۰

۴ شماره پانصد

از ...
 ...
پاین فوزری

درباره شیخ عباسعلی اسلام‌نورد فرزند حسن
 به روش شماره ۲۱۲/۲۶۲۱ - ۵۴/۵/۲۶۱
 ناجزده بالا اخیراً ضمن سخنرانی در هیات علمی مشهد و شهراراک جادرت به
 اظهارات خلافی نمود ماست. خواهشمند است دستور فرمائید ضارالبه و
 ممنوع المنبر نمود و از نتیجه این سازمان را آگاه سازند
 رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ارتشبد نصیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۱

کشف رجز شریعی نامی از مجرای شماره ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

بیت سراسر نامه

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

- ۱- از : پلیس تهران (اطلاعات)
۲- به : تیمسار ریاست اداره اطلاعات
۳- منشاء :
۴- منبع : ۱۱۱
۵- پیوست :
۶- ملاحظات حفاظتی : قابل انتشار
- ۷- شماره گزارش : ۳/۵۱۶۰۱
۸- تاریخ گزارش : ۵۰/۱۰/۱۳
۹- تاریخ وقوع :
۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع :
۱۱- تاریخ رسیدن خبر به دهر عملیات :
۱۲- گیرندگان :

موضوع :

عظم/بیرو

طبق اطلاع واصله ساعت ۱۲:۰۰ ریز ۵۰/۱۰/۱۰ آقای شیخ عباسعلی اسلامی در مجلس ختمی که آقایان عباس و غلام طائی در مسجد کاشانک تشکیل گردید به منبر رفته ضمن صحبت درباره موضوعات اظهار داشت من باید حرف خود را بزنم این چه مملکتی است که مردم مسلمان فقط دل به عشق و راه بیوسینما بسته اند ما جامعه روحانیت هستیم که این مملکت وجود دارد و آن کسی که ادعا میکند و مملکت را من نگهداری میکنم چکاری برای مملکت کرده یک مشت از مردم مسلمان در خیابانها راه میر و برین اسلام له میزنند خداوند باعث این کار را نابود کند و ریشه اش را از بین ببرد اگر جامعه روحانیه حرف حق بزند فوراً " او را ستغیر میکنند من حرف حق خود را میزنم و یکساعت ۱۵میت نمیدم دل مردم در مملکت را آباد کردیم هتل ها و ویلاها ساختیم تا اشخاص خارجی بیایند و آنجا خوش بمانند چنانچه یاد ایران سلطنت کردند و ۵۰ بیچ کدام از خود تعریف نکردند که ما روش کورش را اجرا میکنیم ۵۰ بعد اظهار داشت که در غربی بسر میبرند من بآنها دعای میکنم شما آیین بگوئید سخنرانی نامبرده ساعت ۱۸:۰۰ خاتمه یاد

ماهانه

از: نشریه‌های کلی کشور (با اطلاعات) شماره ۲۹۳۳-۱-۶۸۷
به: مجله‌های ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاریخ: ۸-۱۳۹۹
موضوع: شرح بیانیه‌های استانی پیوست

پیرشماره ۱۱۱/۲۶۸/۲۲۹۶/۱۳۹۹/۱۱/۱۱ و ۱۱/۱۱/۱۱

کل کشور

خواهشمند است در ستیزه‌ها مورد نظریه آنتن‌ها زمان را در مورد

منابعیت از نشریه‌ها نامبرد و بلاپس ریاست کلی کشور اعلام

دارند.

شماره: ۲۹-۱-۱۳۹۹
تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۵

تیمودین محمدی سرپرست
وزارت کشور
در راه: شیخ حاجعلی اسلامی شهربانی کشور
(طنز)

فراتر از فرزندان حسین

خواهشمند است در ستیزه‌ها مورد نظریه آنتن‌ها زمان را در مورد
منابعیت از نشریه‌ها نامبرد و بلاپس ریاست کلی کشور اعلام
دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

شماره: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱
تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۵
پیوست

ریاست شهربانی کل کشور (اداره)

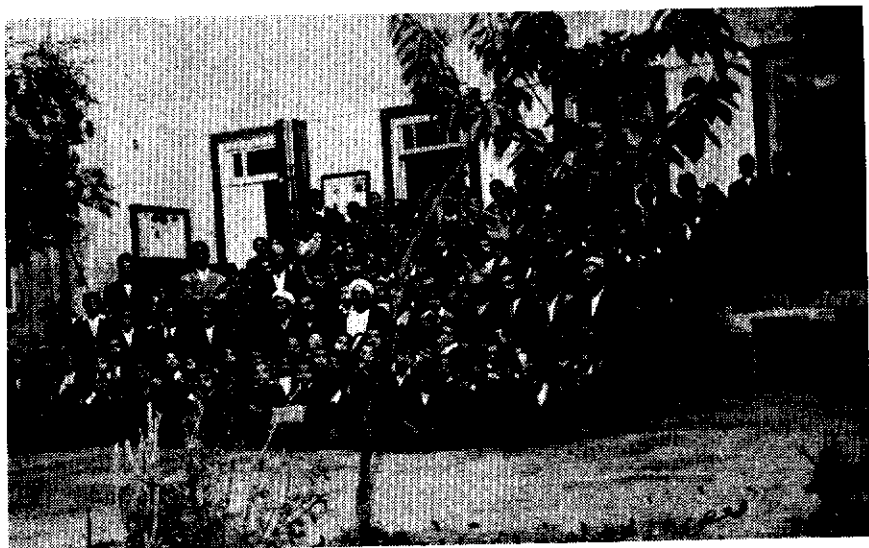
سازمان

خیلی مجری ماهانه

در راه: شیخ حاجعلی اسلامی فرزند حسن شغل واسطه

عطف به ۲۹۳۳-۱-۶۸۷-۱۱/۱۱/۱۱

نامبرده بالا در سازمان راهبردی و اطلاعاتی فعالیت داشته و متعلق به
سازمان است. خواهشمند است در ستیزه‌ها مورد نظریه آنتن‌ها
منابعیت از نشریه‌ها نامبرد و بلاپس ریاست کلی کشور اعلام
دارند.



دبستان علوی جامعہ تعلیمات اسلامی مشہد
آقای فخرالدین حجازی نیز در عکس دیده می شوند





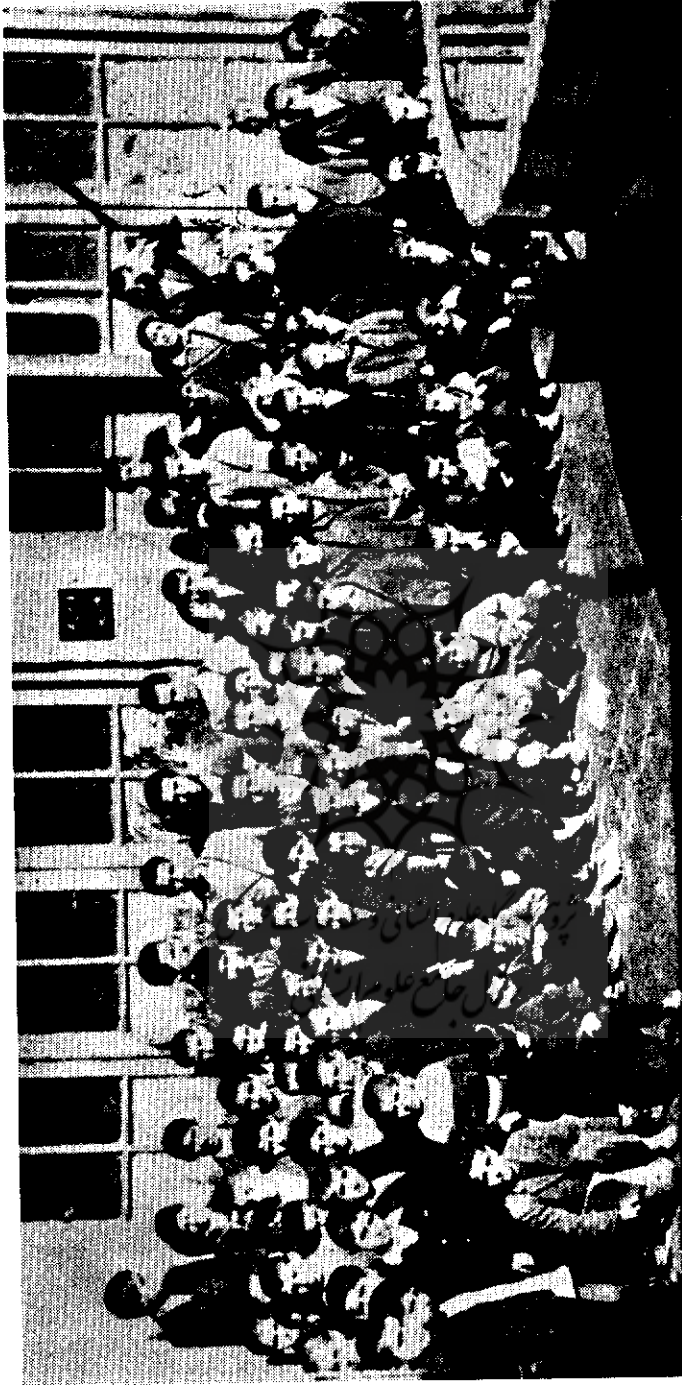
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

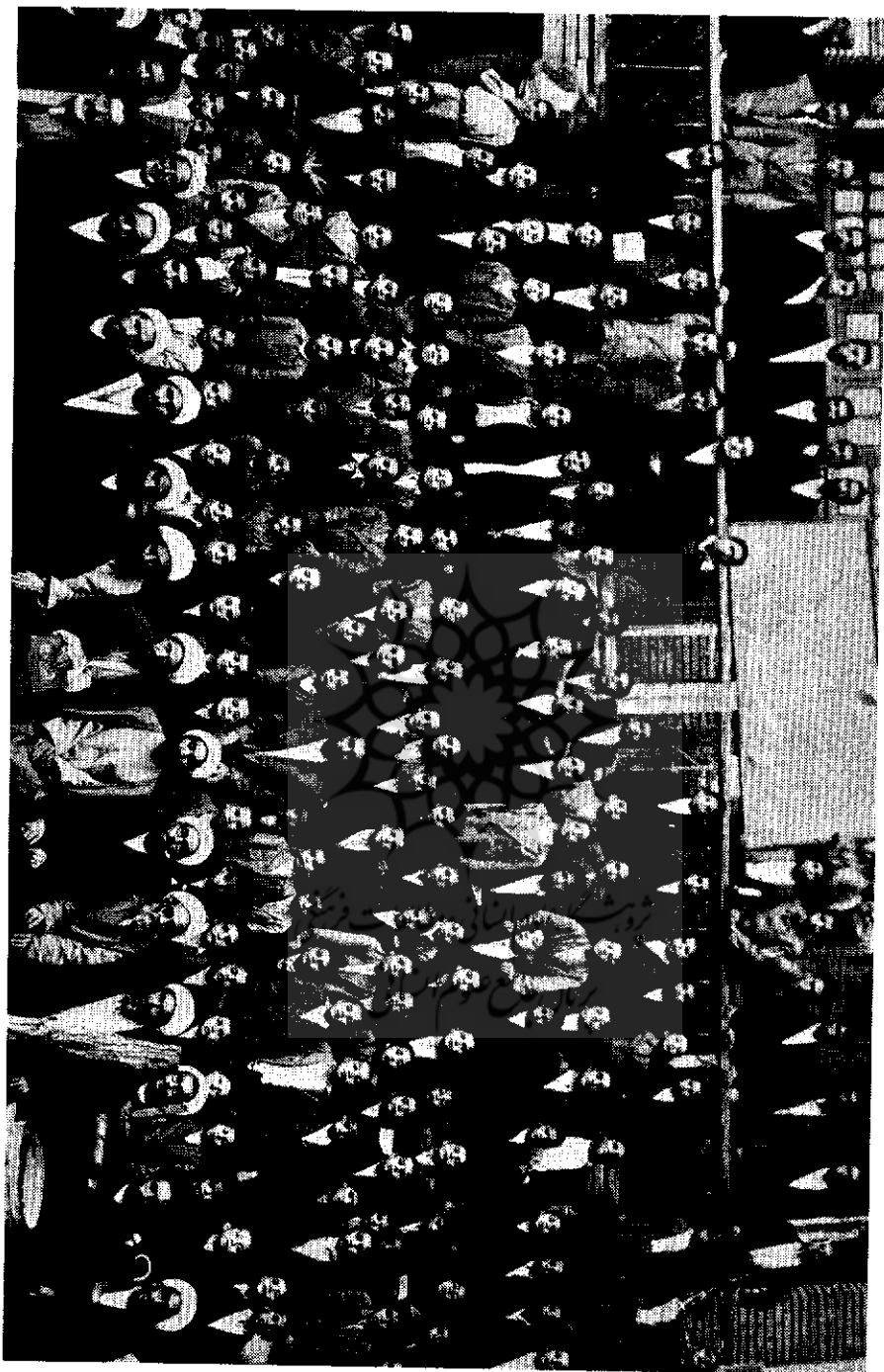


مستوفان جامعه تعلیمات اسلامی شهرستان یزد



عده‌ای از کارکنان و دانش‌آموزان دبستان سراسرین اسلامیه شهرستان شهابی شعبه
جامعه تعلیمات اسلامی

جامعه تعلیمات اسلامی شهرستان قائم شهر (شاهی)



جامعه تعلیمات اسلامی همدان، ۱۳۱۷



برگزاری نماز جماعت در جامعه تعلیمات اسلامی استان خوزستان

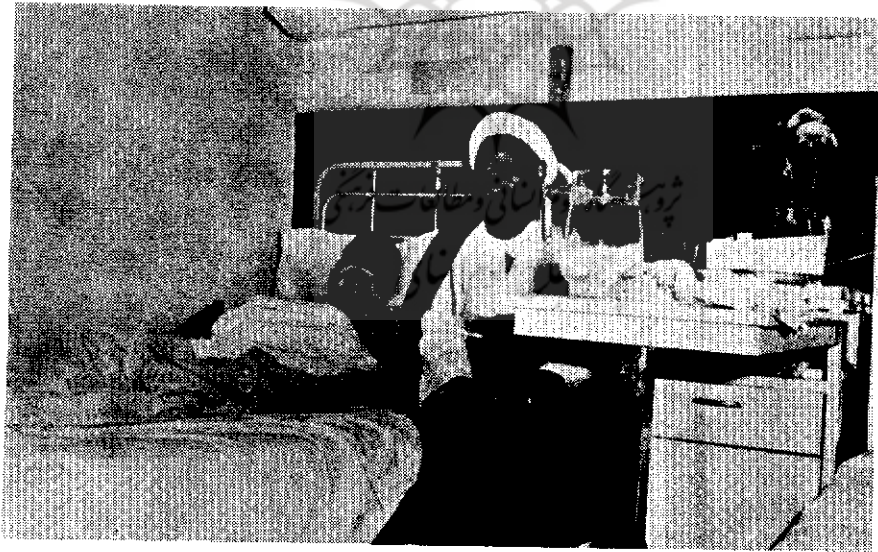
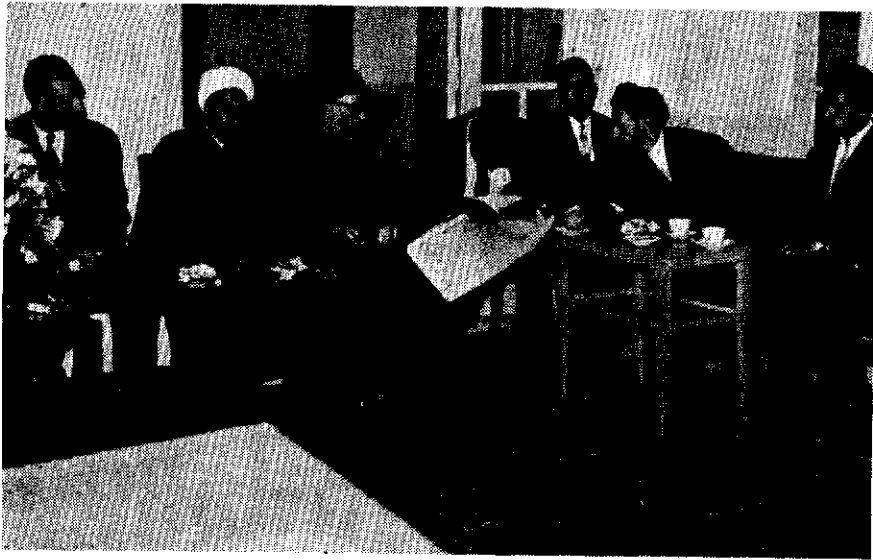


آقای اسلامی در مراسم کلنگ زدن جهت ایجاد یکی از مدارس جامعه تعلیمات اسلامی
 آیه الله طالقانی در سمت راست و اعضای نهضت آزادی که در آن مراسم شرکت کرده
 بودند دیده می شوند.





مرحوم آقای اسلامی در اصفهان



آقای اسلامی به اتفاق حجة الاسلام شیخ علی اسلامی
در بیمارستان قلب (شهید رجایی).